

برگزاری کنفرانس علمی شیخ نجم‌الدین کبری در سالن موزه ملی ترکمنستان در ۲۹ و ۳۰ ماه مه ۲۰۰۱ برابر ۸ و ۹ خرداد ماه ۱۳۸۰ فرصت مغتنمی بود تا دانشمندان دو کشور ایران و ترکمنستان پیرامون این پیر طریقت و بنیان‌گذار سنت کبرویه به تبادل افکار و اندیشه بپردازند. این کنفرانس از طرف رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران و وزارت فرهنگ ترکمنستان برگزار شد و صاحب‌نظران گوناگونی از روسیه، جمهوری‌های آسیای مرکزی، ترکمنستان و ایران مقالات خود را ارائه نمودند که در چهار جلد کتاب نفیس منتشر گردید. برخی نیز در بخش سخنرانی شرکت داشتند. از جمله نظر حلیم‌اف، قان‌دیم قربانف، محمد محمداف، همراه یوسف‌اف، سردار آتایف از ترکمنستان و دکتر احمد پاکتچی، دکتر عبدالرفیع حقیقت، دکتر محمود یزدی مطلق، دکتر قربان علمی، دکتر محمد مقدم از ایران.

در مراسم افتتاحیه جناب آقای درازگیسو سفیر جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان سخنرانی جالبی درباره افکار بلند شیخ نجم‌الدین بیان داشتند. دهم خرداد برابر اول ژوئن همگی رو به سوی شمال ترکمنستان یعنی داش اغوز و مرکز استان پرواز کردیم تا مشتاقانه به دیدار شهر قدیم اورگنج به زیارت شیخ نجم‌الدین کبری و سایر شخصیت‌های بزرگ دوره اسلامی بشتابیم. گزارش زیر شرح سفر به آن دیار است. سرزمین کهنی که زمانی نقش خوارزمشاهیان و تیموریان و سلجوقیان را بر دل

داشته‌اند و چه مردانه آن یادگارها را به‌رغم شقاوت روزگار به رسم امانت به زمان حال سپرده‌است.

داش اغوز از کویر خشک تا سبزه‌ها و لاله‌ها

استان داش اغوز در شمال ترکمنستان واقع است. در شمال با جمهوری ازبکستان و قره‌قالپاقستان (در مجموعه ازبکستان)، ایالت خوارزم، در جنوب با استان آخال هم‌مرز است. ۷۳ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد. استان دارای دو شهر به نامهای داش اغوز و کهنه اورگنج و ۷ شهرک با نامهای بولدیم‌ساز، یلان‌لی، آق‌دپه، تخته، قوباتاق، تازه بازار، صفر مراد ترکمن باشی است. مرکز استان داش اغوز است. حدود ۶۵ درصد جمعیت داش اغوز را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند. از یک‌ها گروه عمده دیگر را تشکیل می‌دهند. تعدادی روس و قزاق نیز به چشم می‌خورد.

از عشق آباد تا داش اغوز مسیر طولانی کویر قره‌قوم، ماورای انگوز را طی می‌کنیم که در هر ۱۰ کیلومتر مربع یک نفر زندگی می‌کند و تقریباً خالی از سکنه است. اما نواحی شمالی هم‌مرز با ازبکستان بسیار سرسبز است و کشاورزی رونق فراوان دارد به‌ویژه پنبه. گندم، برنج، به‌محض آنکه هوا پیمانما فرود می‌آید هوا پیمانهای سم‌پاش را مشاهده می‌کنیم تا متوجه رونق کشاورزی در این استان باشیم.

از فرودگاه تا شهر داش اغوز و از آنجا نیز به سمت شمال غربی یعنی کهنه اورگنج حرکت می‌کنیم. اتوبوس حامل مهمانان توسط محمد مسئول میراث فرهنگی ترکمنستان و خشی مراد عاشیرف مسئول میراث فرهنگی استان داش اغوز همراهی می‌شد.

در دو طرف جاده‌ای که به داش اغوز منتهی می‌شد درختان سپیدار و توت و غیره و مزارع سرسبز منظره‌ای زیبا و به‌یاد ماندنی بود. به یاد ابیاتی از شیخ نجم‌الدین کبری می‌افتم که بن مایه‌های شعر خود را از چنین عناصر طبیعت گرفته است.

هر سبزه که در کنار جویی رسته است
گویی ز رخ فرشته خوبی رسته است
پا بر سر لاله‌ها به خواری ننهی
کان لاله ز خاک ماهرویی رسته است

در مزارع زنان و مردان مشغول کارند. زنان تیشه‌ها را به‌طور هماهنگ بالا می‌برند و بر زمین فرود می‌آورند تا علف‌های هرز مزارع پنبه را بگیرند. این صحنه را تا کهنه اورگنج مرتب مشاهده نمودیم. در حوالی داش اغوز ساختمانهای مربوط به محصول پنبه بود، ندانستیم آیا پنبه پاک‌کنی است یا انبار پنبه. پنبه‌ها ردیف‌کاری شده‌اند. راننده جوان اتوبوس گاهی رادیو ترکمن را می‌گرفت و گاهی سرود «گیتمه» را پخش می‌کرد و در حقیقت مزارع داش اغوز مرا یک لحظه به یاد ترکمن صحرای ایران انداخت. در این روزها شور و نشاط خاصی بر روی زمین سیاه و حاصلخیز ترکمن صحرا برقرار است تا بوته‌ای پنبه جان بگیرد. در شمالی‌ترین نقطه ترکمنستان نیز دیدن این جدیت و تلاش برایم جالب بود و جب به جب زمین زیر کشت رفته است. یک ضرب‌المثل می‌گوید اگر کسی عرق جبین بر زمین بریزد زمین هم شیرۀ جان خود را تقدیم می‌کند و مردمان داش اغوز اینگونه با خدا معامله می‌کنند. با امید کشت می‌نمایند.

نکته مهم آن‌که با شروع فصل برداشت، روزنامه‌ها به انعکاس میزان برداشت روزانه می‌پردازند بدین ترتیب جو رقابت در بین استانها شدت می‌گیرد. این روزها آمار برداشت گندم اعلام می‌شود تا دو میلیون تن گندم برای سال جاری برداشت شده است.

وقتی که به بولدیم‌ساز می‌رسیم به شکل خانه‌ها دقیق می‌شوم. مسکن روستاییان غالباً از گل و خشت، یک طبقه و سقف مسطح بنا شده در حالی که در مناطق ساحل دریا مانند ترکمنباشی از مصالح چوب زیاد استفاده می‌شود و خانه‌های دو طبقه بیشتر به چشم می‌آید. در یک حیاط معمولاً بعد از خانه مسکونی باغچه و محل نگهداری دام اعم از گاو، بز و گوسفند و طیور مانند مرغ و خروس و نیز اسب و قاطر و الاغ مشاهده می‌شود. همچنین هر خانه‌ای تنور مستقلی

نیز دارد. بدین ترتیب وضع معیشتی از لحاظ خوراک و مواد مورد نیاز یک خانواده به راحتی تأمین می‌باشد. از لحاظ نوع رفتار و سلوک و نیز پوشش با پایتخت کاملاً متفاوت است ساده‌زیستی و مهمان‌نوازی دو ویژگی این مردمان به‌شمار می‌رود.

آمودریا سه هفته است که طغیان کرده، آب گل‌آلود و اس‌کانال نیز از همین خبر حکایت می‌کرد. از واس‌کانال که عبور می‌کنیم به سردر دروازه کهنه اورگنج می‌رسیم که بنای یادبودی به نام پرداخت چلیق در حال احداث می‌باشد. کهنه اورگنج در گذشته چهار دروازه داشته و به یاد آن، چهار دروازه هم اکنون در دست احداث است.

راهنمای ما یاخشی‌مراد، مرد کاردانی به‌نظر می‌آید توضیحات منطقی و مکفی در اختیار هیأت قرار می‌دهد. در کهنه اورگنج ۱۲۴ هزار نفر زندگی می‌کنند فاصله با ازبکستان در طول جاده ۱۲ کیلومتر است. اما شهر فاصله بیشتری دارد. یعنی ۳۲ کیلومتر. در ازبکستان نیز شماری ترکمن زندگی می‌کنند (بیشتر در بخش قره‌قالپاقستان که هم‌مرز با این استان است). آثار باستانی استان داش‌اغوز به ۱۲۴ اثر می‌رسد اما در حوزه شهر کهنه اورگنج ۲۴ بنای تاریخی باقی مانده است. هنوز داخل شهر کهنه اورگنج هستیم. خانه‌های قدیمی و کهنه از لحاظ سبک معماری و حتی دربهای بلند حیاط نیز یکسان می‌باشند. با مردمانی ساده و بی‌پیرایه که قیافه‌های ترکمنی - ازبکی آنان به همراه ماشین‌های لادا جلب توجه می‌کند. بلافاصله در محوطه مسجد پیاده می‌شویم. بزودی موزه کهنه اورگنج افتتاح می‌گردد.

در آستان شیخ نجم‌الدین

بقعه نجم‌الدین کبری که مدتها بعد از وفات او ساخته شده بسیار زیبا و دلکش است. سردر بلند که اندکی متمایل به جلو می‌باشد سمبل تعظیم و کرنش یک پیر طریقت است، بنای محلی که در مقابل او قرار گرفته نیز خمیده به جلو است. دو اتاق در سمت راست و چپ دارد، اتاق سمت راست حاوی اشیای عتیقه یا اجزای جدا شده است اما بقعه عظمت دیگری دارد. مقبره

شیخ در وسط سقف بلندی قرار گرفته، کسی که نهضت‌اش از ایران، آسیای مرکزی تا چین گسترده آدمی را منقلب می‌سازد و با دو رکعت نماز حلقه وصل به او گشوده می‌گردد و عاشقانه اشک تر بر خاک او می‌غلطد و با تداعی علوروحی آن شیخ شهید دل در دل نمی‌ماند. به قول او:

چون عشق به دل رسید دل درد کند

درد دل، مرد مرد را مرد کند

در آتش عشق خود بسوزد و آنگاه

دوزخ برای دیگران سرد کند

یاخشی مراد سرگرم توضیح درباره شیخ است و حمله مغولها و چگونگی مقاومت شیخ و شهادت او در دوره خوارزمشاهیان و تیموریان و در واقع تبادل معلومات و اطلاعات بین او و دانشمندان ایرانی. اما برایم این سخن در درجه دوم اهمیت قرار دارد. مگر می‌شود به جوار شیخ نایل آمد و خلوت نکرد؟ مگر می‌توان به دامان او دسترسی پیدا کرد و نگرفت؟ پس ورد باید خواند و صدای دل باید جست و از آن فرصت طلایی بهره گرفت.

این شربت عشق تست، دل مست شده

وز پای فراق توست، دل پست شده

از پای فتاده گیر و از دست شده

این نیست شده تن و دل هست شده

پس با سوز راز و نیاز می‌کنم و شکواییه و درخواست نامه برای شیخ کبری می‌نویسم که مرا نیز دریاب. این حالت عجیب عرفانی لحظه‌ای مرا رها نمی‌ساخت و چه شوقی مرا با خود به عوالمی جدید دعوت می‌کرد. در مقابل آرامگاه شیخ، آرامگاه سلطان علی قرار دارد و در سمت راست نیز مجموعه آرامگاه‌های پیر یار ولی (یا شاید پوریای ولی) واقع است. نگهبان آرامگاه شیخ نجم‌الدین آراز است. هم‌نام من و او نیز اطلاعات خوبی درباره این مجموعه ارائه می‌کند. باز دید بعدی ما از داش مسجد (مسجد سنگی) که مدرسه‌ای مستطیل شکل دارای

حجره‌هایی که به داخل محوطه باز می‌شود و قبلاً محل تحصیل طلاب علوم دینی بوده و نمونه‌ای از آن در استان گلستان خودمان در بین گوگلانها یعنی مدرسه سید قلیچ ایشان سراغ داریم. اکنون بجای طلاب صنایع دستی. هنرهای مختلف زرگری، لباس، ابزار و آلات جنگ و شکار و غیره جمع شده. سالن اصلی این بنا که دیگر موزه باید نامید حاوی اشیای عتیقه مکشوفه است که بخشی از آن به دوره قبل از اسلام (۴ تا ۶ هزار سال پیش) مربوط می‌شود. این همان موزه است که با کمک سازمان یونسکو و ترکمنستان به میزان یک میلیون دلار هزینه شده که ۱۴۰ هزار دلار مربوط به بخش داخلی موزه است. راهنما درباره این موزه می‌افزاید: ما ترکمنها موزه را خورجین محسوب می‌کنیم چرا که وقتی خورجین را روی شانه می‌اندازیم قسمت پشت گذشته و قسمت رو آینده را نشان می‌دهد. نکته جالب توجه آنکه در داخل هر حجره یک نفر مشغول انجام کاری بود. مثلاً قالی‌بافی، گره‌زنی، زرگری، کفاشی، زره‌سازی و غیره.

مجموعه کهنه اورگنج

شهر حیرت‌انگیز کهنه اورگنج در محدوده شصت هکتاری چشم می‌خواهد برای دیدن. دیدن آنچه که در قرون وسطی مظهر رشد و اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی بوده و مهد پرورش صدها دانشمند بزرگ و باگذر صدها سال هنوز که هنوز است گویا در هجوم سخت مغولان از پای نیافتاده است و برج مناره قوتلوق تیمور حکایت از استقامت و پایداری می‌دهد، که گویی یکبارہ صدای پای مغولان که برای تخریب شهر هجوم آورده‌اند در فضای شهر می‌پیچید و شیخ مبارزان برای نبرد و شهادت در برابر مغول‌ها ایستاده، استوار همچنان که او را امروز نیز ایستاده در جلوی صوف می‌بینیم. آرامگاه او در پیشانی شهر قرار گرفته تا دژخیمان چنگیزخان از نعش او رد نشده حق ورود به شهر را نداشته باشند.

در نقشه اورگنج قدیم هنوز عناصر ایستاده بر روی خاک به شرح زیر است:

۱. کاروان سرا (در قسمت جنوب بعد از آق قلا و خوارزم باغ) ق ۱۴ م

۲. آرامگاه ایل ارسلان (پدر سلطان تکش) ق ۱۲ م

۳. آرامگاه سلطان تکش ق ۱۲ م

۴. مناره قوتلوق تیمور.

آنگونه که گفته می‌شود مناره‌های اورگنج بالغ بر ۴۰ مورد بوده که برخی در دوره عباسی ساخته شده در زمان غزنویان احداث مناره متوقف شده سلجوقیان آن را ادامه داده‌اند. سلطان تکش سعی فراوانی برای اتمام مناره قوتلوق تیمور نمود اما علت اینکه به نام مناره قوتلوق تیمور شناخته می‌شود، بنای ۶۴ متر مناره در زمان او به اتمام رسیده است. کتیبه‌های موجود مناره در سال ۱۰۰۴ مبنی بر این است که این بنا، بنا بر دستور مأمون شروع شده است. این مناره با ۵۸ متر ارتفاع، ۱۲ متری داخلی دارد و به توازن بنا کمک می‌کند. همچنین درب ورودی برج ۲۰ متر از زمین فاصله دارد و اهالی داخل آن می‌شده‌اند تا از گزند مغول‌ها در امان مانند. اتفاقاً نیز چنین شد مغول‌ها وقتی به مناره رسیدند چون نتوانستند به داخل آن نفوذ کنند مناره را به آتش کشیدند. مردم داخل آن که در ۱۳۴ پله جمع شده بودند، زنده زنده سوختند. به خط کوفی در سطح مدور بیرونی مناره که قطر آن ۲۴ متر است نوشته شده، قوتلوق تیمور ظل اله و کمک‌کننده مسلمانان است. یک روایت درباره مناره چنین آمده «قل گردان» معمار این بنا خبری دریافت می‌کند که روز پایان بنا قرار است پادشاه او را بکشد تا الگوی دیگر ساخته نشود (همانند استاد سمنار در ادبیات عرب) پس بالای می‌سازد و از آن بلندی پرواز می‌کند و در تپه بولدیم ساز فرود می‌آید و سواران شاه او را محاصره می‌کنند. او از خداوند می‌خواهد بجای اسارت، مرگ را به سراغش فرستد. این گونه قلعه‌روی او فرو می‌ریزد.

۵. قصر توروبگ خانم: ق ۱۴ م

جوجی خان پسر چنگیزخان ۶ ماه خوارزم را محاصره می‌کند. به علت اختلاف داخلی و به علت رفتار ناشایست ترکان خاتون و جدا کردن جلال از مرکز قدرت، اورگنج به دست افراد چنگیزخان قتل عام و به‌طور وحشتناکی تخریب می‌گردد. پس از سقوط خوارزم به دست اردوی

طلایی قوتلوق، تیمور به عنوان خان به ایران می آید و خان از بک دختر خود را به تیمور می دهد تا اقتدارش را حفظ نماید. از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۶ قوتلوق حکومت می کند و تون بگ خانم نیز ۶ سال حکومت می نماید. گفته می شود بنایی که به نام توروبگ خانم معروف شده بیشتر مقر سلجوق ها بوده است. زیرا این بنا خزانه دولتی بوده که ۳ جسد از ترکمن های قونقرات به نامهای حسن صوفی، حسین صوفی، دردی صوفی) در آن مدفون است.

این قصر دارای ۱۲ ستون و برای اجرای مراسم دینی و حکومتی در نظر گرفته شده است. این بنا توسط ابوریحان بیرونی طراحی شده لذا آکنده از دقایق هنر معماری است. قصر دارای چهار پنجره به نشانه چهار فصل، ۱۲ پنجره به نشانه ماههای سال در داخل گنبد اصلی با خط سفیدی با انواع نقطه ها می باشد تعداد این نقاط به ۳۶۰، ۳۶۵ و ۳۶۷ می رسد. یعنی به تعداد روزهای سال است. پس قصر نشینان بدون خروج از قصر روز و ماه و فصل را تشخیص می داده اند.

۶. آرامگاه سلطان علی (ق ۱۶ م)

۷. آرامگاه نجم الدین کبری (ق ۱۴ م)

۸. آرامگاه محمد کریم ایشان (ق ۱۹ م)

۹. داش مسجد (بازسازی ق ۲۰ م)

۱۰. مجموعه حاجب (ق ۱۷ م)

۱۱. آرامگاه سید احمد (ق ۱۹ م)

۱۲. مجموعه آق قلا

۱۳. مجموعه خوارزم باغ

۱۴. قلعه قرق ملاکه مجموعه آرامگاهی پیش از اسلام است و در ابتدا قصر بوده اما در دوره اسلامی این محل به عنوان کتابخانه بزرگی در ایام نوروز گشوده می شد و تا یک سال دیگر بسته می شد. دانشمندان به آموزش و تعلیم می پرداختند که ابوریحان بیرونی به مدت یک سال در کتابخانه ماندگار شده است. این مجموعه هنوز به صورت کامل کاوش نشده است.

آراز محمدسارلی - معلم مأمور در سفارت جمهوری اسلامی ایران - عشق آباد